

پیش‌خواران

خاطرات امیر سر تیپ سیدابراهیم حجازی در بک نگاه

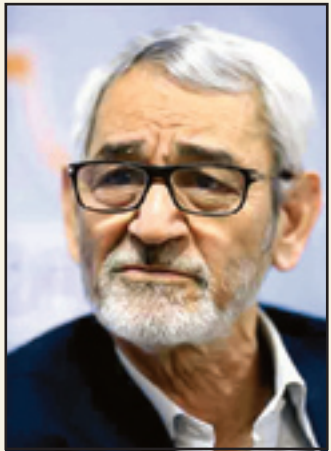
از دانشگاه افسری تا دانشگاه آزاد

■ احمد رضا صدری



اثری که هم اینک دربارۀ آن سخن می‌رود، خاطرات امیر سر تیپ سید ابراهیم حجازی از ادوار گوناگون حیات را در بر دارد. این مجموعه توسط دکتر بتول واعظ تدوین شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را تدوین کرده‌است. در باب ضرورت آماده‌سازی و انتشار این دست آثار، در دیباچه این مجموعه آمده‌است:

«یکی از منابع و مأخذ مورد استفاده در تدوین تاریخ، خاطرات اشخاص است. هر شخصی دارای تجربه فردی است که می‌تواند آن را در قالب خاطره روایت کند و به نوشتار درآورد. خاطره وقایع گذشته‌است که شخص آن را دیده یا شنیده و بخشی از محفوظات ذهن است که چون از برجستگی و ویژگی خاصی برخوردار بوده، شایستگی ثبت و ماندگاری در ذهن را یافته‌است. آن را دیده یا شنیده و بخشی از محفوظات ذهن است که چون از برجستگی و ویژگی خاصی برخوردار بوده، شایستگی ثبت و ماندگاری در ذهن را یافته‌است. برخی خاطره نویسی را در معنای عام آن نه تنها یادآوری و نگارش دیده‌ها، بلکه شنیده‌ها هم دانسته‌اند که در آن علاوه بر زمان و مکان وقوع خاطر، به ارزیابی چگونگی وقوع آن نیز می‌پردازد. باید توجه داشت که به خاطر، باید با دیده احتیاط نگاه کرد و اصول و معیارهای نقد تاریخی را به دقت در موردشان اجرا کرد و از قابل اعتماد بودن آنها مطمئن شد. انقلاب اسلامی همانگونه که محصول فعالیت‌های گسترده گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه بوده‌است، باید از زبان افرادی متفاوت و متعدد نیز بازگو شود تا علاوه بر دسترسی جامع‌تری به جزئیات وقایع، چگونگی و زوایای گوناگون وقایع نیز پدیدار شوند. خاطرات تیمسار سید ابراهیم حجازی که در این راستا منتشر می‌شود، اطلاعات سودمندی از اوضاع خرمشهر در سال‌های نزدیک انقلاب، جریان‌های تجزیه‌طلب جنوب کشور، جریان خلق عرب و همچنین ارتباط فعالیت‌های شهربانی در



► امیر سر تیپ سیدابراهیم حجازی

سال‌های پر التهاب و پر حادثه نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سال‌های فعالیت در دانشگاه آزاد اسلامی، دیوان محاسبات کشور و... در اختیار ما قرار می‌دهد...»

تازنمای ناشر نیز در معرفی کتاب‌ها، اینگونه پیشینه راوی را مورد اشاره قرار داده و ادوار آن را برشمرده‌است: «سید ابراهیم حجازی متولد ۱۳۲۰، فرزند سیدمصطفی حجازی و از سادات منطقه دهاقان اصفهان است. وی در سال ۱۳۴۱، وارد دانشکده‌افسری شد و سپس در سال ۵۲ یا ۵۳، به درجه سروانی نائل آمد و به سمت رئیس راهنمایی در فول انتخاب شد. در همان اوایل پیروزی انقلاب با توصیه معتمدین شهر، از جمله جناب‌الاسلام علوی و آقای نقیبه به سرپرستی شهربانی خرمشهر منصوب شد. مدتی بعد به تهران منتقل و مشاور ویژه وزارت کشور گردید. پس از آن رئیس پلیس تهران شد. حجازی روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، در دانشگاه تهران حضور داشت و شاهد اتحاد و فعالیت‌های خرابکارانه بنی‌صدر و مخالفان بود. وی در این باره می‌گوید: آنها‌ها به نقطه تقابل علنی و برخورد فیزیکی کشید. گارد ریاست جمهوری هم وارد عمل شد و میلیشیایی که از قبل پیش‌بینی کرده بودند راه هم وارد کردند. از جمله افرادی از ریاست جمهوری و هواداران بنی‌صدر که لباس زرد پوشیده بودند. این درگیری‌ها در همان ابتدای کار، به مجروحیت تعداد زیادی از طرفین عموماً خصوصاً نیروهای مذهبی و انقلابی انجامید... با انفجار نخست‌وزیری و شهادت مرحوم شهید وحید دستگردی، وی به سمت رئیس شهربانی جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. در دوره ریاست جمهوری آیت‌الله مهدوی کنی، عضو دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری بود و سپس با حکم میرحسین موسوی، به‌سمت رئیس حراست کل کشور منصوب شد. پس از آن به عنوان مشاور سیاسی – اجتماعی و عضو تجدیدنظر تخلفات اداری وزارت نیرو و مسئول بازرسی وزارت نیرو منصوب شد که با کتارگیری دکتر غفری فرد وزیر وقت نیرو ازین وزارت‌خانه استعفا کرد و با دعوت دانشگاه آزاد اسلامی، به دانشگاه آزاد اسلامی پیوست...»

تاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷۰



نظری بر انگیزه رضاخان از تأسیس بانک ملی و آلمانیزه کردن آن

اختلاس مدیر غیر ملی از بانک ملی!

■ **علی احمدی فراهانی**

در چهاردهمین روز از اردیبهشت ۱۳۰۶، قانون تأسیس بانک ملی ایران در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. این رویداد اما از اساس معلول اراده رضاخان و ساخته و پرداخته وی بود. اما نامبرده از چه روی به این اقدام دست زد، موضوع این نوشتار است.

مقالی پی آمده بر اساس دیدگاه‌ها و یافته‌های برخی تاریخ‌پژوهان معاصر به رشته تحریر درآمده‌است. امید آنکه مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **پیشینه و پیامدهای تأسیس بانک ملی**

پیشینه تأسیس بانک ملی در ایران را باید در دوران صدر مشروطیت و فعالیت اولین دوره مجلس شورای ملی جست‌وجو کرد. این موضوع اما به دلایلی – که در ادامه به آنها اشاره می‌رود– مغفول نگه داشته شد. بانک ملی نهایتاً در دوره رضاخان تأسیس شد، اما به دلیل سیاست‌های استبدادی وی و نیز دست باز آلمان‌ها در آن استقلال نداشتت و تنها به وسیله‌ای برای نمایش قزاق در فاصله گرفتن از انگلیسی‌ها مبدل شد. سیدهاشم منیری، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این‌باره آورده‌است:

«موضوع ایجاد بانک ملی، اولین‌بار در اولین دوره مجلس شورای ملی مطرح شد. روز شنبه ۲۳ رمضان ۱۳۲۴ برابر با ۱۸ آبان ۱۲۸۵، اولین لایحه تقدیمی دولت به مجلس، لایحه قرض‌های به مبلغ ۲۰ کرور تومان یا ۴۰۰ هزار لیره از دولت روس و انگلیس بود. نمایندگان قسمتی از لایحه را رد کردند و با این مخالفت، اولین جرعه‌های تأسیس بانک ملی در ایران زده شد و این اولین کار مثبت مجلس شورای ملی بود. علاوه بر مجلس، مردم، تجار، بازرگانان و سایر قشرهای سیاسی و اجتماعی کشور هم از این اقدام استقبال کردند و از هر موضوعی که می‌توانستند قدمی برای تحقق این ایده برداشتند. ادوارد براون در کتاب خود درباره این موضوع آورده‌است: حتی بینوایان و مسکینان به کمک برخاستند، دانشجویان به فروش کتاب‌های خود اقدام نموده و زنان برای تهیه سرمایه بانک، به فروش زیورآلات و حتی قطع و فروش گیوسون خود پرداختند، یک میلیون تومان در تهران جمع‌آوری گردید و پرداخت یک‌میلیون تومان دیگر را

بر خود فیزیکی کشید. گارد ریاست جمهوری هم وارد عمل شد و میلیشیایی که از قبل پیش‌بینی کرده بودند راه هم وارد کردند. از جمله افرادی از ریاست جمهوری و هواداران بنی‌صدر که لباس زرد پوشیده بودند. این درگیری‌ها در همان ابتدای کار، به مجروحیت تعداد زیادی از طرفین عموماً خصوصاً نیروهای مذهبی و انقلابی انجامید... با انفجار نخست‌وزیری و شهادت مرحوم شهید وحید دستگردی، وی به سمت رئیس شهربانی جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. در دوره ریاست جمهوری آیت‌الله مهدوی کنی، عضو دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری بود و سپس با حکم میرحسین موسوی، به‌سمت رئیس حراست کل کشور منصوب شد. پس از آن به عنوان مشاور سیاسی – اجتماعی و عضو تجدیدنظر تخلفات اداری وزارت نیرو و مسئول بازرسی وزارت نیرو منصوب شد که با کتارگیری دکتر غفری فرد وزیر وقت نیرو ازین وزارت‌خانه استعفا کرد و با دعوت دانشگاه آزاد اسلامی، به دانشگاه آزاد اسلامی پیوست...»

■ کارگران در حال احداث بنای بانک ملی. در خیابان فردوسی تهران

پیشینه تأسیس بانک ملی در ایران را باید در دوران صدر مشروطیت و فعالیت اولین دوره مجلس شورای ملی جست‌وجو کرد. این موضوع اما به دلایلی تحقیق نیافت. بانک ملی نهایتاً در دوره رضاخان تأسیس شد اما به دلیل سیاست‌های استبدادی وی و نیز دست باز آلمان‌ها در اداره امور آن استقلال نداشتت و تنها به وسیله‌ای برای نمایش قزاق در فاصله گرفتن از انگلیسی‌ها مبدل و البته خسارات‌هایی را نیز موجب شد

نوع مدیریت کورت لیندن بلات آلمانی که با حمایت قاطع عبدالحسین تیمورتاش همراه شده بود، باعث شد ناظران بانک، به روی دادن اختلاس در آن پی ببرند. از این روی این مدیر آلمانی و معاون وی، فرار را بر قرار ترجیح دادند. از سوی دیگر در دستگاه رضاخانی نیز تلاش عمده‌ای در برخورد با این پدیده صورت نگرفت. محمدرضا چیت‌سازیان، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران ماجرا را اینگونه روایت کرده‌است:

«جنبش مشروطیت و مجلس برآمده از آن در همان سال‌های کوتاه دستاوردهای زیادی داشت و قوانین مهمی را به تصویب رساند که قانون تأسیس بانک ملی یکی از مهم‌ترین این قوانین بود. پس از سال‌های هرج‌ومرج، در ۲۰ شهریور ۱۳۰۷ و در دوره‌ای که رضاشاه قدرت را در دست داشت، فعالیت رسمی بانک ملی آغاز شد. در این دوره اختلاسی از جانب آلمان‌ها به‌عنوان کارشناسان خارجی شاغل در بانک صورت گرفت و دولت برای برخورد با آن اقدام مهم و اساسی انجام‌داد. از مهم‌ترین دلایل بروز اختلاس در بانک ملی ایران این بود که برخلاف نامی که بر آن گذاشته شده بود، تیرهای ملی در مدیریت آن وارد نشده بودند. رضاشاه طرف‌دار آلمان و نازی‌ها بود، زیرا دولت پرست، نظامی‌گرا، مستبد و پان‌ایرانیست بود. نتیجه این رویکرد این بود که آلمان در دوره رضاشاه، نشان داد. سپردن اداره بانک ملی به آلمانی‌ها کشور نیز چون به بخاری انداختن قرار داد داری، از همین امر نشأت می‌گرفت. سیده راضیه حسینی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در تحلیل این موضوع می‌نویسد:

«رضاشاه ابتدا بانک ملی را تأسیس کرد و دو سال بعد حق انتشار اسکناس را – که در انحصار بانک شاهی که متعلق به انگلستان بود– از آن گرفت و به بانک ملی واگذار کرد. اما مسئله کمپانی نفت ایران و انگلستان، تبدیل به معضلی برای وی شده بود، چون حتی یک سهم از سهام شرکت، متعلق به ایران نبود! سرانجام در پروسهای طولانی و با کمی بالا و پایین شدن امتیازات میان دو طرف، قرارداد جدیدی به جای قرارداد داری منعقد شد. مدت امتیاز جدید، ۶۰ سال بود. مناطق مورد امتیاز، از ۵۰۰هزار مایل به ۲۰۰ هزار مایل کاهش پیدا کرد و عواید ایران به تلفیقی از مجموع تولید و شرکت در دردی از منافع خالص تعیین می‌شد. ایران هیچ کنترلی بر محاسبه میزان سود شرکت نداشت و این به انصاف شرکت نفت ایران و انگلستان باز می‌گشت! نکته جالب این‌است که اگر ایران قرارداد داری را لغو نمی‌کرد، امتیاز داری در سال ۱۹۶۱م به پایان می‌رسید و تمام اموال کمپانی به ایران تعلق می‌گرفت، اما با قرارداد جدید، ایران خود را تا سال ۱۹۹۲م متعهد کرد. به گفته مصطفی علم نیاز شدید رضاشاه به پول و نگرانی عمیق او از حضور ناوگان جنگی انگلستان در خلیج فارس و به علاوه ماهیت انگلیسی او سبب شد وی در نهایت با انعقاد این قرارداد موافقت کند... در مجموع آنچه می‌توان گفت، این است که رضاشاه از تأسیس بانک ملی و قرار دادن آن به جای بانک شاهی، به نوعی به دنبال تظهير چهره انگلیسی خود بود، سیاستی که تا حمایت از آلمان در جنگ جهانی دوم تاووم یافت و البته چندان نیز کارگر نینفتاد...»

■ **لیندن بلات» آلمانی و اولین اختلاس در بانک ملی!**

علاقه رضاخان به ایجاد ارتباط صمیمی با آلمان‌ها نخستین اختلاس را در بانک ملی ایران رقم زد! پس از روی دادن نخستین اختلاس در دوره مدیریت کورت لیندن بلات، هم‌چنان به وجود مدیری دیگر از این کشور هیچ‌اش داشته باشد و این بار، «هرست» را به این منصب بگمارد. این در حالی بود که هم او، عبدالحسین تیمورتاش را که در این اختلاس مشارکت داشت، به این علت و نیز علل دیگر به زندان فرستاد و دستور

■ عقابت آلمانی و ایرانی عموماً در هیئت‌امتیاز بانک ملی. در دوره رضاشخان



قتل وی را صادر نمود. احمد علی رحمانی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در ارزیابی رویکرد قزاق به این مقوله معتقد است:

«بعد از آنکه بلات به عنوان اولین رئیس بانک کار خود را آغاز نمود، با استفاده از موقعیت کسب شده و با همدستی تیمورتاش، دست به اختلاس و فساد مالی زد. اولین بار یکی از رؤسای ایرانی بانک ملی، متوجه این قضیه شد و آن را علنی نمود. مخیرالسلطنه هدایت در این رابطه می‌گوید: حسینقلی خان نواب، تخلفاتی در بانک کشف کرد، به عرض رسانید، معلوم خساراتی وارد آمده است. لیندن بلات رئیس بانک، زیاد میخند و شاید متکی به تیمورتاش. نظارت نبوده‌است و شاید متکی به تیمورتاش. در هر حال اختلاساتی مسلم شد... برخی از افراد، اختلاس آلمانی‌ها از بانک ملی را رد کرده و آن را به کارشکنی و توطئه انگلیسی‌ها نسبت داده و معتقدند انگلیس که فعالیت این بانک را مانعی در برابر بانک شاهنشاهی می‌دید، در صدد شد با طرح این توطئه، فعالیت‌های بانک ملی را با مشکل مواجه کند. بعد از فاش شدن این موضوع، بلات به همراه معاون خود فوگل کشور را به بهانه معالجه ترک کرده و به بیروت رفتند. اما بعد از مدتی به ناچار به ایران بازمی‌گردد، زیرا همان‌طور که مخیرالسلطنه گفته‌است، برای آلمانی‌ها این موضوع اهمیت زیادی داشت، چراکه عده زیادی از متخصصان آلمانی در ایران کار می‌کردند و سیاست این کشور در ایران، رو به غلبه بود و بانک ملی قلب اقتصاد بود. با این حال بعد از بازگشت مجدد بلات به ایران، به حرمش رسیدگی شد و به ۱۸ ماه حبس و پرداخت ۷هزار لیره و ۴۶ هزار ریال (مجموعاً ۶۳ هزار تومان) محکوم شد. تیمورتاش هم که یکی از وزرای قدرتمند رضاشاه و از مهره‌های اصلی در انتقال قدرت به رضاشاه بود، بعد از این اتفاق مورد دناخوری رضاشاه قرار گرفت و به دلیل برخی مسائل که بعدها به وجود آمد، دستگیر شد و در نهایت در زندان به قتل رسید و برای همیشه از صحنه سیاسی ایران کنار رفت. دربارۀ علت قتل تیمورتاش توسط شاه، نقل قول‌های فراوانی در جمله کثرت مداخله در امور سایر وزرا، تنه‌ها و تظهار به اداره کردن امور کشور را ذکر کرده‌اند. او به گونه‌های عمل می‌کرد، مثل اینکه خود شاه هیچ‌کاره است! اما مسلم است که نقش تیمورتاش در این اختلاس، در خنده‌دار شدن چهره‌اش بی‌تأثیر نبود. بعد از این اتفاقات «ولدت یازک چسرا پوئل بانک را به بریدان توسط سفارت ایران در برلین به ریاست بانک منصوب کرد و بدین ترتیب، اداره بانک مجدداً به آلمان‌ها سپرده شد...»

■ **تلقی مضحک قزاق، از پدیده‌وام بانکی**

در پایان مقال، اشاره به ماجرای درباره بانک ملی که طی آن میزان اطلاع رضاخان از کارکرد بانک و سیستم پرداخت وام نیز مشخص می‌شود، خالی از لطف نیست. قزاق در پی اطلاع از پرداخت وام به عده‌ای از سوی بانک ملی، با احضار رزاقلی امیر خسروی، او را شتمات می‌کند که چسرا پوئل‌های بانک را به بریدان پرداخت می‌کند؟ از سوی دیگر او گمان برده بود که بانک، پول‌های شخصی او را به‌عنوان وام به دیگران پرداخت کرده‌است! این داستان در تارنمای پژوهشکده تاریخ معاصر ایران به این ترتیب ذکر شده‌است:

«سر تیپ رزاقلی امیر خسروی (۱۳۲۷– ۱۲۷۵) نظامی دوران قاجار و پهلوی و مدیر کل بانک ملی (۱۳۱۶– ۱۳۱۲) که به گفته ابتهاج برای خودش در بانک ملی یک رضاشاه کوچک بود و بانک را مثل یک سر‌بازخانه اداره می‌کرد، روز یک‌شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۱۵ش به صورت غیرمترقبه‌ای توسط رضاشاه احضار می‌شود. نوشته یکی از تذکره نگاران، ساعت ۲ بعدازظهر روز یک‌شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۱۵ش، شاه، امیر خسروی رئیس بانک ملی را احضار می‌نماید. شاه ضمناً دستور داده بود که او وضعیت و صورت اعتبارات بانک و موجودی خزانه بانک را همراه داشته باشد. امیر خسروی گفت معمولاً روزهای جمعه ساعت ۱۰ ساعت شرفیاب می‌شدم، احضار آن روز و آن ساعت خیلی غیرمترقبه بود... شاه از من پرسید این اعتبارات برای شرکت‌ها چیست؟ و از چه محلی این سیرده‌ها مردم... شاه شروع می‌کند به این پول‌ها مربوط به درآمد و عایدات کشور نیست، بلکه از موجودی بانک و حساب‌های پس‌انداز افراد پرداخت شده، مثل اعتباری که به بازرگانان و کارخانجات داده می‌شود. شاه عصبانی شده می‌گوید چرا این پول‌ها داده شده؟ پول سیرده اشخاص چرا به دیگران داده می‌شود؟ ایشان خیال می‌کردند پول سیرده هر کسی حده نگهداری می‌شود، غافل از اینکه سیرده اشخاص موجودی بانک بوده و بانک آنها را برای معامله به کار انداخته، در نتیجه سود بانک علاوه شده و بهره‌ای که بانک می‌پردازد از همین عایدات معامله‌است (به‌طور معترضه باید اضافه کنم که شاه خیال کرده بود موجودی خودش در بانک به اشخاص داده شده و مصرف گردیده‌است. شاید عصبانیت ایشان برای تسکین پول و سپرده خودش بوده‌است، نه سیرده‌های مردم...) شاه شروع می‌کند به فحاشی که پدر سوخته‌ها این‌طور پول بانک را از بین می‌برند، می‌دهم شماها را محاکمه و تیرباران کنند...»